

The Ruling on Money Creation in Islamic Banking Based on the Theory of *Maqāṣid al-Sharī'a* (Objectives of *Sharī'a*)

Mohammad-Saeed Panahi Boroujerdi*

Mohammad Bidar**

Hossein Fayyaz***

Abstract

Money creation by the banking system leads to economic instability, inflation, discrimination, and violations of justice. This phenomenon occurs through the creation of credit and the granting of loans to customers; in other words, banks instantaneously generate money from “nothing” without prior deposits and extend it to borrowers. Some Shī'ī jurists, invoking the principles of *lā ḍarar* (no harm), *iṭlāf* (liability for destruction), and *akl māl bi-l-bāṭil* (consuming wealth unlawfully), have rejected its permissibility.

This study examines the evidentiary role and normative authority of *maqāṣid al-sharī'a* (objectives of *Sharī'a*) and clarifies the ruling on money creation according to this theory. The research hypothesis affirms the validity of *maqāṣid al-sharī'a* as a source in the process of deriving rulings, and concludes that money creation is prohibited.

After explicating the theory of *maqāṣid al-sharī'a* and the phenomenon of money creation, the following results were obtained: (١) According to the doctrine that rulings follow underlying benefits and harms, and based on the principle of rational correlation (*qā'idat al-mulāzama al-'aqliyya*), *maqāṣid al-sharī'a* are identical with the criteria of rulings and thus applicable in the process of deriving *Sharī'a* rulings; (٢) Since the consequences of money creation—such as disruption of the economic system, failure to secure social rights, speculative activity, and unfair competition among banks—are incompatible with the objectives of *Sharī'a* as the criteria of rulings, money creation from “nothing” in Islamic banking is prohibited.

The methodology of this research is descriptive–analytical, with data collected through library sources.

Keywords: *Maqāṣid al-Sharī'a* (objectives of *Sharī'a*); derivation of *Sharī'a* rulings; benefits (*al-maṣāliḥ*) and harms (*al-mafāsīd*); Islamic banking; money creation.

* Assistant Professor, Faculty of Economics, 'Allāmeḥ Ṭabāṭabā'ī University, Tehran, Iran

Email: ms_panahi@atu.ac.ir | ORCID: ٠٠٠٠٠٠٠٣٠٠٤٩٠٩٤٦٤٠

** Assistant Professor, Department of Economics, Imam Khomeini Educational and Research Institute;

Email: bidar_parchin@iki.ac.ir.

*** Corresponding Author: School of Economics and Management, Institute of Islamic Humanities, al-

Mustafa University, Qom, Iran; Email: h_fayyaz@yahoo.com | ORCID: ٠٠٠٩٠٠٠٣٠١٠٩٠٢٣٣٠

حکم خلق پول در بانکداری اسلامی براساس نظریه مقاصد شریعت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۱

محمدسعید پناهی بروجردی*

محمد بیدار**

حسین فیاض***

چکیده

خلق پول توسط نظام بانکی، بی‌ثباتی اقتصادی، ایجاد تورم، تبعیض و نقض عدالت را در پی دارد. این پدیده از طریق خلق اعتبار و پرداخت وام به مشتریان صورت می‌گیرد؛ یعنی بانک‌ها به صورت لحظه‌ای و بدون سپرده پیشینی، از «هیچ» پول خلق نموده و به متقاضی «وام» پرداخت می‌نمایند. برخی از فقهای شیعه براساس قاعده لاضرر، قاعده اتلاف و قاعده اکل مال به باطل، آن را نپذیرفته‌اند. در این پژوهش، نقش سندی و اعتبار احتجاجی مقاصد شریعت، و حکم پدیده خلق پول طبق این نظریه، تبیین شده است. فرضیه پژوهش، پذیرش اعتبار مقاصد شریعت و نقش سندی آن در فرایند استنباط احکام و ممنوعیت پدیده خلق پول است. پس از تبیین نظریه مقاصد شریعت و پدیده خلق پول، این نتایج به دست آمد: اولاً، طبق نظریه تبعیت احکام از مصالح و مفاسد و قاعده ملازمه عقلیه، مقاصد شریعت با ملاکات احکام رابطه این‌همانی داشته و در فرایند استنباط احکام و استخراج حکم شرعی کاربرد دارد؛ ثانیاً، از آنجایی که آثار و پیامدهای خلق پول مثل اخلاق در نظام اقتصادی، عدم تأمین حقوق اجتماعی افراد جامعه، سفته‌بازی و رقابت‌های غیرعادلانه بانک‌ها با اهداف و مقاصد شریعت به‌عنوان ملاکات احکام ناسازگار است، پس خلق پول از «هیچ» در نظام بانکداری اسلامی ممنوع می‌باشد. روش انجام این پژوهش، به‌صورت توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: مقاصد شریعت، استنباط احکام شرعی، مصالح و مفاسد، بانکداری اسلامی، خلق پول.

* استادیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (ORKID ID: ۰۰۰۰۰۰۰۳۰۵۴۹۹۴۶۴)

Email: ms_panahi@atu.ac.ir

** استادیار گروه اقتصاد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران.

Email: bidarparchin@iki.ac.ir

*** دانشجوی دکتری، مدرسه اقتصاد و مدیریت، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی

العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول). (ORKID ID: ۰۰۰۹-۰۰۰۳-۰۱۰۹-۲۳۳۰)

Email: h_fayyaz@yahoo.com.

۱. طرح مسئله

اکثر مردم فکر می‌کنند که بانک‌ها فقط نقش واسطه‌گری دارند؛ یعنی پول افراد دارای مازاد را گرفته و به افراد نیازمند (سرمایه‌گذاران) وام می‌دهند؛ درحالی‌که بخش اعظم پول موجود در نظام بانکی، توسط دولت یا بانک مرکزی به وجود نیامده است؛ بلکه بانک‌های تجاری و بانک‌های خصوصی برای پاسخ به تقاضای مشتریان خود اقدام به خلق اعتبار نموده و به آنها «وام» می‌دهند. خلق پول از «هیچ» توسط بانک‌ها آثار مخرب و زیان‌باری در اقتصاد دارد. به دلیل عدم تناسب و هماهنگی بین عرضه کل (کالاها و خدمات) و نقدینگی، وجود تقاضاهای سفته‌بازی برای پول و ناتوانی بخش اقتصاد به هدایت این نقدینگی به سمت تولید واقعی، اقتصاددانان تلاش دارند برای این معضل راه‌حل بیابند. اقتصاددانان در این باره نظر واحدی ندارند.

هدف این تحقیق بیان حکم پدیده خلق پول مطابق با نظریه مقاصد شریعت است. از آنجایی‌که نظریه مقاصد شریعت نزد فقهای شیعه جایگاه بلندی ندارد، ابتدا جایگاه این نظریه در نظام استنباطی امامیه تبیین، و آنگاه درباره این پدیده در بانکداری اسلامی نظر نهایی مشخص می‌شود. از این رو، در این تحقیق سؤال اصلی، تبیین جایگاه مقاصد شریعت در فقه امامیه و تأثیر آن درباره پدیده خلق پول در نظام بانکی است. بنابراین، سؤالات اساسی در این زمینه عبارت‌اند از: مقاصد شریعت در استنباط فقهی چه جایگاهی دارد؟ مقاصد شریعت چه رابطه‌ای با ملاکات احکام دارد؟ پدیده خلق پول چه زیان‌ها و آثار مخرب اقتصادی دارد؟ آیا خلق پول توسط نظام بانکی جواز دارد و یا ممنوع است؟

فرضیه تحقیق: با توجه به رابطه «این‌همانی» بین مقاصد شریعت و ملاکات احکام، که به تلقی صحیح از مقاصد شریعت منجر می‌شود، مقاصد شریعت در نظام استنباطی فقه شیعه فی‌الجمله مورد پذیرش است. از این رو، در فرایند استنباط احکام از این مؤلفه می‌توان استفاده نمود. خلاصه اینکه، با توجه به پذیرش نظریه مقاصد شریعت در فقه امامیه و نقش سندانگاری آن در فرایند استنباط احکام، پدیده خلق پول در نظام بانکی جواز ندارد.

روش تحقیق: این تحقیق به جهت هدف بنیادی به شمار می‌آید؛ زیرا تلاش دارد یک مؤلفه مهم و اساسی در فرایند استنباط معرفی کند و در مسیر دانش اجتهاد توسعه حاصل شود؛ اما از جهت نوع اطلاعات گردآوری‌شده، این تحقیق کتابخانه‌ای است.

۲. مفاهیم

۲-۱. شریعت

این واژه در اصل به معنای «راه ورود به آب» است (ابن منظور، ۱۴۱۴). اما در متون دینی همگن با واژه‌های شرع و شرعه، به معنای دین یا قریب به آن به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲). معنای شریعت در قرآن اخص از معنای دین می‌باشد. شریعت برنامه و راهی است که برای امتی یا پیامبری آورده شده و به آنها ابلاغ می‌شود، از این رو، گفته می‌شود شریعت نوح، شریعت ابراهیم، شریعت موسی، شریعت عیسی و شریعت محمد؛ اما دین راه و سنتی الهی برای همه امت‌ها و ملت‌هاست؛ از این رو می‌توان به نسخ شریعت قائل شد و نسخ دین را منع کرد (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۸۰ و ۳۸۱).

۲-۲. مقاصد شریعت

مقاصد شریعت عبارت است از: مصلحت‌های دنیوی و اخروی برای بندگان که خداوند بزرگ از تشریح اسلام همان مصالح را قصد کرده است. این اصطلاح به شکل‌های گوناگون استعمال شده است. مقاصد الشارح، مقاصد الشریعة و مقاصد الشرعیة: کلمات تستعمل بمعنی واحد (ریسونی، ۱۴۱۶، ص ۱۷). نوشته‌اند: «مراد از مقاصد شریعت، اهداف، نتایج و اسراری است که شارع، برای هر یک از احکام وضع نموده است» (فاسی، ۱۹۹۳م، ج ۲، ص ۳). برخی گفته‌اند که مقاصد شریعت همان غایاتی است که شریعت برای تحقق آنها در جهت مصلحت مردم، وضع کرده است (حسنی، ۱۴۱۶، ص ۷). آیت‌الله تسخیری می‌نویسد: «مقاصد شرعیه علمی است که در پیوند با تشریح قرار دارد و از اهداف کلی یا هدف‌های مورد توجه آن در عموم یا انواع بسیاری از این احکام، سخن می‌گوید» (۱۳۸۸، ص ۱۱).

در تعاریف یادشده از جایگاه و نقش کشفی و اعتبار احتجاجی مقاصد شریعت سخنی به میان نیامده است؛ از این رو، مقاصد شریعت باید طوری تعریف شود که نقش سندی آن لحاظ شود. تعریف مقاصد شریعت به این صورت است: **مقاصد شریعت همان ملاکات احکام است که در فرایند استنباط احکام شرعی کارکرد سندی و اعتبار احتجاجی دارد.** منظور مقاصد شریعت به معنی الاخص یعنی احکام است.

۲-۳. پول

پول یعنی «زر و سیم یا فلز دیگر مسکوک رایج» (دهخدا، ۱۳۷۷) و «قطعه فلز از طلا یا نقره یا مس یا فلزات دیگر که از طرف دولت سکه زده شود، اسکناس که توسط دولت یا بانک ناشر اسکناس چاپ و منتشر شود» (فرهنگ فارسی عمید، ۱۳۴۳). پول در عرف به عنوان سکه‌های رایج طلا و نقره، معیار ارزش مادی، وسیله مبادله، اسکناس یا قطعه فلز منتشر شده از سمت دولت یا بانک شناخته و استفاده می‌شود. اما در اقتصاد پول چنین تعریف می‌شود: هر چیزی که بتواند در فرآیند مبادلات نقش اندازه‌گیری ارزش اقتصادی کالاها و خدمات را ایفا کند، پول تلقی می‌شود (شعبانی، ۱۳۹۲، ص ۴۵).

۲-۴. بانک

به سازمان و دستگاهی که محل ذخیره پول مردم است و دادوستد آنجا انجام گیرد، «بانک» گفته می‌شود. سازمانی که عملیات آن عبارت است از: نقل و انتقال وجوه و صدور بروات و نگهداری سرمایه اشخاص و به کار انداختن سرمایه‌های یادشده برای توسعه تجارت و اعتبارات تجاری به‌ویژه از جهت تسهیل عمل مبادلات و نقل و انتقال وجوه و دادن اعتبار و قرض به مردم با ربح کمتر از میزان عادی بازار و گاه نشر اسکناس رایج کشور. واژه بانک، افزون بر معانی یادشده، معنای نوع قمار با ورق را نیز دارد. مطابق تعریف برخی، «بانک واسطه‌گری مالی و مؤسسه انتفاعی است که با سرمایه خود و سپرده‌های مشتریان، به منظور کسب سود اقدام به وام دادن و اعتبارات و ارائه خدمات بانکی می‌کند» (مجتهد و حسن زاده، ۱۳۸۰، ص ۶).

۲-۵. خلق پول

خلق پول روندی در علم اقتصاد است که طی آن نقدینگی یک کشور یا یک منطقه پولی (مانند منطقه یورو) افزایش می‌یابد. بانک مرکزی می‌تواند با خریدن منابع مالی یا پرداخت قرض به مؤسسات مالی به اقتصاد پول جدید تزریق کند (سیاست پولی انبساطی)، آنگاه با پرداخت قرض پول توسط بانک تجاری پس از کسر ذخیره قانونی (در یک نظریه) و یا ایجاد پول از «هیچ» براساس نظریه دیگر، این پایه پولی زیاد شده و به بسط پول گسترده

(پول نقد و سپرده دیداری) منجر می‌شود.

۳. پیشینه تحقیق

برای موضوع «حکم خلق پول در بانکداری اسلامی براساس نظریه مقاصد شریعت» پیشینه‌ای یافت نشد؛ اما در این پژوهش فتاوی‌های فقه‌های امامیه و آثار برخی محققین درباره مقاصد شریعت و خلق پول، به صورت زیر معرفی می‌شود:

الف) مقاصد شریعت

کتاب العلل: چندین کتاب به این نام تألیف شده است (مثل علل الشرایع، علل الصوم). کتاب «فقه و مصلحت» تألیف آیت‌الله علی‌دوست، «فائق الاصول» تألیف گروه فقه معاصر، «نگاهی به مقاصد شریعت» تألیف آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی از جمله کتاب‌هایی هستند که به تازگی منتشر شده است. ملامهدی نراقی، وحید بهبهانی، فاضل مقداد، شهید اول، محمدجواد مغنیه، امام خمینی علیه السلام آیت‌الله سیستانی و... در برخی فروع فقهی متعرض مقاصد شریعت شده‌اند.

آیت‌الله علی‌دوست پس از طرح پنج دیدگاه درباره مقاصد شریعت، معتقد است: این نظریه به علت مبهم بودن و کلی بودن، در فرایند کشف حکم شرعی واقع نمی‌شود؛ اما توجه مجتهد به مقاصد شریعت و مصالح مردم، او را در استنباط احکام از منابع کمک می‌کند (علی‌دوست، ۱۳۸۸، ص ۳۶۲-۳۸۴). محمدجواد فاضل لنکرانی به دلیل پیامدها و آثار منفی مقاصد شریعت، این نظریه را در استنباط احکام نپذیرفته و دست دشمنان در طراحی این شیوه مشهود است تا احکام یهودیت و مسیحیت را از طریق مقاصد شریعت و با زبان اسلام بیان نمایند (فاضل لنکرانی، ۱۴۰۲، ص ۳۴). در کتاب «فائق الاصول» نظریه مقاصد شریعت مطرح شده و فی‌الجمله مورد پذیرش قرار گرفته و حوزه‌های کاربردی آن به تفصیل بیان شده است (لجنة الفقه المعاصر، ۱۴۴۱ق، ص ۲۴۴). حامد فلاحتی با تفکیک دیدگاه شیعه و سنی درباره مقاصد شریعت، این نظریه را به صورت غیرمستقل پذیرفته است (فلاحتی، ۱۴۰۱، ص ۱۹۱).

مقاصد شریعت، امری قطعی و مبتنی بر نصوص است. صرفاً به دلیل اینکه برخی روشنفکران یا گروه‌های التقاطی از این مفهوم سوءاستفاده کرده‌اند، نمی‌توان آن را مطرود دانست. توجه به مقاصد شریعت در میان فقه‌های متقدم شیعه دارای سابقه است. فقیهانی

مانند علامه حلی، فخرالمحققین، شهید اول، محقق بحرانی، وحید بهبهانی، صاحب جواهر، و مراجع معاصر همچون آیت‌الله سیستانی و مرحوم امام خمینی در برخی موارد از رویکرد مقاصدی در استنباطات فقهی خود بهره برده‌اند.

امام خمینی علیه السلام در مقام نقد دیدگاهی که عموماً و اطلاقات کتاب را منحصر در معاملات متداول زمان تشریح می‌دانست، چنین نگرشی را نوعی «تحجر» تلقی کرده و تأکید داشت که چنین قرائتی، فقه را از پویایی و معاصرت دور می‌کند.

ب) خلق پول در بانکداری

سبحانی و درودیان (۱۳۹۵)، خلق پول را براساس دو معیار عدالت و مولدیت بررسی نموده‌اند. خلق انعطاف‌پذیر پول به وسیله نظام بانکی در جهت گسترش تولید و تحقق هدف آبادانی قابل توجیه است؛ اما براساس معیار عدالت و به دلیل وجود امتیازات تبعیض‌آمیز در توزیع و آثار تورمی، پذیرفته نشده است. عالی‌پناه و تاج‌لنگرودی (۱۳۹۵)، اقدام بانک‌های تجاری در خلق پول را مصداق «اکل مال به باطل» و «غصب» دانسته، حکم فقهی آن را حرمت بیان نموده‌اند. محققان و همکاران (۱۴۰۱) با استناد به ادله منع سوءاستفاده از حق و اضرار به کل جامعه، این پدیده را اکل مال به باطل قلمداد نموده و با ملاک حرمت ربا و تنقیح مناط قطعی، مدعی حرمت خلق پول شدند.

۴. نظریات ملاکات احکام (تبعیت احکام از مصالح و مفاسد)

تبعیت احکام از مصالح و مفاسد است که از آن در فقه امامیه تعبیر به ملاک‌های احکام می‌شود، از مباحث مهم است (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۳۳۷). در پاسخ این پرسش که آیا احکام از مصالح و مفاسد تبعیت می‌کنند یا نه؟ دو نظریه «نظریه اثبات» یعنی تبعیت احکام از مصالح و مفاسد (منسوب به «عدلیه») و «نظریه انکار» یعنی عدم تبعیت احکام از مصالح و مفاسد (منسوب به «اشاعره») وجود دارد.

۴-۱. نظریه انکار

اشاعره و برخی از فقهای شیعه معتقدند: نیک چیزی است که شارع نیک شمارد و زشت چیزی است که شارع زشت بخواند. فخر رازی می‌نویسد: «علت حسن تکلیف ربوبیت (خداوند) و عبودیت (بندگان) است نه رعایت مصالح» (۱۴۱۵، ج ۱۱،

ص ۱۲۷). احکام تابع امر و نهی شرعی هستند و ضرورتی ندارد که تمام اوامر و نواهی، تابع مصالح و مفسد باشند؛ زیرا در شرع، اوامر و نواهی ای هستند که صرفاً تابع اعتبار امر و نهی شارع مقدس بوده و برای آن اعتبار شرعی و غرض و هدفی لحاظ نشده است.

۲-۴. نظریه اثبات

عدلیه اعتقاد دارد که در امر خداوند حکیم، مصلحت و در نهی او، مفسده وجود دارد. خداوند افعال را براساس غرض، حکمت، فایده و مصلحتی که متوجه مکلفان است و نفعش به مخلوق می‌رسد، انجام می‌دهد (علامه حلی، ۱۹۸۲، ج ۱، ص ۸۹). کارهای خداوند معلول مصلحت‌ها و حکمت‌هاست، وقتی که شارع ما را به امری ملزم می‌کند واجب است که در امر شارع حکمت و برانگیزاننده‌ای باشد (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۳۰۵)؛ زیرا «ان الاحکام الشرعیة عندنا معلومة لمصالح واقعیة» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۳۰).

شهید مطهری می‌نویسد: «جزء ضروریات شیعه و اکثر اهل تسنن این است که می‌گویند احکام بر مبنای مصالح و مفسد واقعی است، و به همین دلیل در سیستم قانون‌گذاری اسلام راهی برای عقل باز شده است؛ یعنی جعل احکامش براساس مصالح و مفسد واقعی و نفس‌الامری است» (۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۲۹۳). بنابراین، افعال خداوند، خالی از حکمت و فایده نیست، در حلال آن مصلحت و در حرام آن مفسده وجود دارد. تبعیت احکام از مصالح و مفسد، یک مسئله پذیرفته شده و از مسلمات مذهب امامیه است. بنابراین، از نظر دانشمندان شیعه احکام تابع مصالح و مفسد است و کشف آن دارای چهار مرحله است:

مرحله اول: اثبات حسن و قبح ذاتی و واقعی اشیاست. برخی کارها ذاتاً حسن است؛ مثل عدالت، برخی کارها ذاتاً قبیح است؛ مثل ظلم و عقل به‌طورمستقل حسن و قبح و زشتی آنها را درک می‌کند.

مرحله دوم: اثبات توان و درک حسن و قبح اشیاء و افعال توسط عقل است.

مرحله سوم: اثبات ملازمه بین حکم عقل و حکم شرع است. اکثر اصولی‌ها (به‌جز صاحب فصول) به این ملازمه ملتزم‌اند.

مرحله چهارم: حجیت مدرکات عقل است؛ یعنی ادراک عقل مبنی بر وجود ملازمه

بین حکم (درک) عقل و حکم شرع حجیت دارد.

۳-۴. رابطه ملاکات احکام با مقاصد شریعت

تفسیر فقهای شیعه از مقاصد شریعت با تفسیر فقهای اهل تسنن از مقاصد شریعت یکسان نبوده و صرفاً مشترک لفظی است؛ زیرا اعتبار مقاصد شریعت در فقه امامیه براساس برابری با ملاکات احکام است؛ یعنی رابطه ملاکات احکام و مقاصد شریعت، رابطه «این‌همانی» است. دلایل این مدعا عبارت‌اند از:

- توحید هسته سخت دین

اساس و جان تمامی معارف حقیقت «توحید» است. معارف الهی، فضایل اخلاقی، تشریح احکام معاملات، عبادات، سیاسات و... همه اینها بر یک حقیقت تکیه دارد... و آن حقیقت، زیربنا و همه اینها که دین خدا را تشکیل می‌دهند بر آن پایه بنا نهاده شده‌اند، و آن حقیقت «توحید حق تعالی» است. این توحید، با همه اجمال، متضمن تمامی تفصیل و جزئیات معانی قرآنی است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۲۰۰). بنابراین، کل احکام الهی تفصیل اصل «توحید» و مسائل شرعی تشعشعات همان حقیقت توحیدی است. اگر این اصل شکافته شود، تفصیل احکام و شرایع به دست می‌آید. اگر این تفصیل فشرده شود، به همان اصل توحیدی بازمی‌گردد.

- منظومه احکام شرعی

بین مسائل دینی اعم از فقه، اخلاق، کلام، تفسیر و... هماهنگی و هم‌نگاهی وجود دارد؛ چون خالق و پدیدآورنده عالم، عالم و حکیم است از این رو، خلق شریعت غیرشبکه‌ای و غیرسیستمی به دلیل ناکارآمدی آن، عقلاً محال است. اعتقاد به غیرسیستمی بودن احکام الهی، حداقل در مقام ثبوت و نفس الامر، نپذیرفتن صفات علم، حکمت و قدرت خالق است. احکام شرعی در باب تجارت بدون توجه و بدون ارتباط به احکام فقهی سایر ابواب، نیست. اثبات ارتباط شبکه‌ای بین تمامی گزاره‌های دینی، حداقل در مقام ثبوت و نفس الامر بدون اشکال است. باسناد همین نظام‌مندی و ارتباط منطقی بین گزاره‌های فقهی، امام خمینی رحمته‌الله راه‌های فرار از ربا و حیل ربا را نمی‌پذیرد و آن را با ظلم و ستم ارتباط می‌دهد.

- توانایی عقل در کشف ملاکات احکام

اصل وجود مصلحت و مفاسد در متعلقات احکام شریعت، مسئله‌ای اتفاقی است؛ ولی اختلاف در توانایی درک و دسترسی عقل به این ملاکات است. شهید مطهری در این زمینه می‌نویسد: «عقل عاملی است که مناطات احکام را - البته نه در همه جا بلکه در مواردی - کشف می‌کند، در مواردی به ملاکات احکام پی می‌برد و علل احکام را کشف می‌کند... احکام، تابع مصالح و مفاسد واقعی است؛ ... اگر اسلام چیزی را گفته واجب است، به این دلیل است که یک مصلحت ملزمه‌ای در کار بوده، و اگر چیزی را گفته حرام است به دلیل یک مفاسد بسیار مهمی است. آن مصلحت‌ها و مفاسد‌ها به منزله علل احکام‌اند.

اگر در جایی به حکم عقل مصلحت یا مفاسد‌ای کشف شود، اسلام از آن صرف‌نظر نمی‌کند... حتماً براساس این، فتوا صادر شود، چون احکام تابع مصالح و مفاسد نفس‌الامری هستند و این مصالح و مفاسد هم غالباً در دسترس ادراک عقل بشر است؛ پس عقل بشر هم می‌تواند خودش قانون اسلام را کشف کند. خداوند دو حجت دارد: حجت ظاهری و حجت باطنی؛ حجت ظاهری پیغمبران‌اند که عقل خارجی هستند و حجت باطنی عقل است که پیغمبر درونی است، همین برای ما کافی است. این چیزی است که خود اسلام گفته است» (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۲۹۹-۳۰۰).

مقصود شهید مطهری این است که ملاکات و مناطات احکام اجتماعی اسلام کلاً از دسترس عقل بشر خارج نیست؛ البته تمام احکام، به‌ویژه احکام عبادی را نمی‌توان با عقل کشف و استخراج نمود.

- برگشت مقاصد شریعت به ملاکات احکام

شریعت مقدس و دین الهی دارای اهداف و مقاصد است که آن مصالح و مفاسد، همان ملاکات احکام شرعی است. «أن الحق عندنا الامامية أن الاحكام تابعة للمصالح والمفاسد التي نسميها بملاکات الاحکام» (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۳۳۷).

شریعت یک حقیقت یکپارچه توحیدی دارد و مقاصد شریعت فروعاً و شاخه‌های آن حقیقت توحیدی است. مقاصد شریعت شاخه‌های خردتر و ریزتر آن اهداف و اغراض مولی است. این اغراض و اهداف با مصالح و مفاسد و ملاکات احکام رابط «این‌همانی» مصداقی دارد. یعنی مصداقی مقاصد شریعت، همان مصداقی مناطات احکام و ملاکات احکام است؛ البته تباین مفهومی دارد. بنابراین، مصالح و مفاسد همان

ملاکات احکام است. از کلام سیدمرتضی این وحدت مصلحت و مفسده احکام با اغراض و مقاصد (دواعی) آن فهمیده می‌شود. ایشان در این زمینه فرموده است: «أنَّ علل الشَّرع مفارقة لعلل العقل، لأنَّ علَّة الشَّرع تتبع الدَّواعی و المصالح» (علم‌الهدی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۲۰). مؤید دیگر، «این‌همانی» بودن مصداقی مقاصد شریعت و ملاکات احکام، کلام شهید اول در کتاب القواعد و الفوائد است. در این زمینه چنین می‌نویسد: «الوسيلة الرابعة: ما هو وصلة إلى حفظ المقاصد الخمسة، و هي: النَّفس، و الدین، و العقل، و النسب، و المال، التي لم یأت تشريع إلا بحفظها، و هي (الضروریات الخمس)» (شهید اول، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۰).

شهید اول برای مقاصد ضروری شریعت پنج مصداق بیان کرده است. معنای آن حرف، وحدت مقاصد شریعت و ملاکات احکام در خارج و مصداق بیرونی است. از این رو، اگر به مصداقی خارجی مصالح و مفاسد و نیز مقاصد شریعت توجه شود، نسبت تساوی بین مصداقی مصالح شریعت و مقاصد شریعت وجود دارد؛ یعنی همه مصداقی مصالح و مفاسد شرعی، مقصود و هدف شارع است. به‌دیگرسخن، جلب همه مصداقی مصالح و ترک همه مصداقی مفاسد، مقصود شارع است. براساس این تفسیر، بعدی ندارد که مقاصد شریعت در فرایند استنباط احکام قرار گرفته و سبب کشف و استخراج احکام شود.

۵. کارکردهای مقاصد شریعت در فقه

مقاصد شریعت سه کارکرد دارد: ۱. استنباط احکام شرعی؛ ۲. تقدیم احد المتزاحمین؛ ۳. تشخیص وظایف حاکم شرع (الفائق فی الاصول، ۱۴۴۱ق، ص ۲۴۳). نمونه بارز استکشاف حکم شرعی، فتوای مغنیه در تفاوت بیع مکره و مضطر است. مطابق مقصد نفی حرج، چنین می‌نویسد: «احکام شریعت بر آسان‌گیری و سخت‌گیری نکردن بنا نهاده شده است و لازمه باطل دانستن بیع مضطری که روزگار او را وادار به فروش اموالش کرده، در تنگنای بیشتر قرار دادن او است و این با شریعتی که بنای آن بر تسهیل است، سازگاری ندارد» (مغنیه، ۱۴۲۱الف، ج ۳، ص ۶۹).

ایشان در باب سبق و رمایه تمرکز بر موارد مذکور در شریعت را ناصحیح می‌دانند: «حافر، خف نصل و... با توجه به مقاصد شریعت که از آیه ۶۰ سوره انفال «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه» به دست می‌آید، صرفاً ذکر مورد بوده و خصوصیت در این زمینه ندارند.

از آیه به دست می‌آید که این آمادگی به امور مربوط به عصر معطوف بوده و این اجتهاد در برابر نص نیست؛ بلکه اجتهاد صحیح مبتنی بر مقاصد شریعت (معیار سهله و سمحه) و مناطات حکم است» (مغنیه، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۲۳۳).

صاحب جواهر در مسئله ارزش، هنگام اختلاف اهل خبره در قیمت‌گذاری چنین گفته است: رأی فقیهان آن است که قیمت‌ها جمع و نسبت‌گیری شود. ایشان در مقام استدلال، به عدالت، که از مقاصد شریعت است، استناد می‌کند و می‌نویسد: این نظریه اصحاب با مقتضای عدالت، که دربردارنده حق خریدار و فروشنده است، موفق است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۳، ص ۲۹۴).

اگر زمینی به صورت طولانی رها و توسط شخص دیگر احیا شود، گفته‌اند: با احیای شخص دوم، حق شخص اول از بین می‌رود؛ زیرا تعطیل کردن و از کار انداختن زمین روا نیست. غرض شارع، آبادانی زمین است و زمین در زمره دیگر املاک، مانند کتاب و امثال آن نیست که مالک آنها هر کاری را بخواهد بتواند با آنها انجام دهد (موسوی خویی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۴۱۰).

درباره حرمت معاملات مواد مخدر (تریاک، حشیش، شیشه) نصوصی شرعی وجود ندارد. فقها گفته‌اند این معاملات باطل، این ردوبدل‌های مواد مخدر حرام است. مستند فقهاء بر این فتوا مقاصد شریعت است؛ زیرا از مقاصد مهم شریعت، محافظت صحت انسان و محافظت صحت جامعه از نظر روانی و روحی است. انتشار این مواد در جامعه، سلامت روحی و روانی جوامع انسانی را از بین می‌برد و از این رهگذر فهمیده می‌شود که شارع در این مورد حتماً قانون دارد (الفائق فی الاصول، ۱۴۴۱، ص ۲۴۴).

تمسک به مقاصد شریعت طبق نظریه شمولیت احکام است؛ یعنی شارع در همه جا دستور، فرمان و قانون دارد، پس شارع در این مورد هم قانونی جعل فرموده که با مقصدش هماهنگ باشد، بطلان این معاملات یا حرمت این اعمال یا هر دو قانون شارع است. ممکن است از دلیل لاضرر هم استفاده شود؛ اما از راه مقصد شریعت نیز قابل کشف است.

بنابراین، از طریق مقاصد شریعت می‌توان به حکم شرعی رسید. حفظ سلامت روانی انسان و جامعه از مقاصد شریعت است و مصرف مواد مخدر موجب سلب آرامش، امنیت و سلامت روانی افراد و جامعه می‌شود. می‌توان نتیجه گرفت: معاملات مواد مخدر که به ترویج مصرف آن در جامعه منجر می‌شود، به لحاظ شرعی جایز

نیست؛ زیرا حکم شارع در هر واقعه‌ای، قطعاً در راستای تحقق مقاصدش می‌باشد.

۶. طبقه‌بندی مقاصد شریعت در فقه امامیه

در اندیشه اهل سنت، مقاصد شریعت از جهت اندازه (اهمیت) مصلحت، به پنج دسته (ضروریات، حاجیات، تحسینات، کمالات، تعبدیات) تقسیم می‌شود (جوینی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۹۱۳-۹۳۷). شبیه همین تقسیم‌بندی در آثار فقهای شیعه نیز دیده می‌شود: شهید اول در القواعد و الفوائد می‌نویسد: «حفظ المقاصد الخمسة، و هی: النفس، و الدین، و العقل، و النسب، و المال، ...» (بی‌تا، ج ۲، ص ۳۰). شهید اول از یکسو مقاصد شریعت را پذیرفته و از سوی دیگر، برای مقاصد ضروری پنج مصداق بیان نموده است. مفهوم آن پذیرش یک نوع طبقه‌بندی برای مقاصد شریعت است.

فاضل مقداد از روش «سیر و تقسیم» احکام شرعی را تقسیم‌بندی نموده و مقاصد شریعت را این‌گونه طبقه‌بندی کرده است: «الشرائع کلها لحفظ المقاصد الخمسة، و هی: الدین، و النفس، و المال، و النسب، و العقل التي يجب تفریرها فی کل شریعة، ...» (۱۴۰۳، ۷- القاعده الثانیة). ابن، ابی‌جمهور احسائی، سیدعلی طباطبائی و صاحب‌جواهر عبارات مشابه دارد (احسائی، ۱۴۱۰، ص ۳۵؛ طباطبائی، ۱۴۱۸، ج ۱۵، ص ۴۳۴؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۲۵۸).

انسان به‌عنوان موجود اجتماعی، در جامعه انسانی زندگی می‌کند. برای عدم اصطکاک خواسته‌های نامحدود او در حوزه‌های اقتصادی، حقوقی، فرهنگی و سیاسی با دیگر اعضای جامعه و تزییع حقوق دیگران، باید روابط آنها دارای نظم مشخصی باشد. وجود این نظم در روابط اجتماعی از جمله اهداف و مقاصد شریعت اسلام است. از برخی آیات قرآن، روایات ادله عقلی می‌توان مقاصد شریعت را به مقاصد اقتصادی، حقوقی، فرهنگی و سیاسی طبقه‌بندی نمود که فقه نظامات در همین راستا مورد توجه قرار گرفته است. این مقاصد را تحت عنوان کلی مقاصد اجتماعی شریعت می‌توان قرار داد:

۶-۱. مقاصد اقتصادی

اصول و قواعد عمومی معاملات و دادوستدها و قوانین خاص مثل حرمت ربا، اسراف، غش و تزویر و... نشان می‌دهد که در امور اقتصادی، خروج از اعتدال و اسراف در

منابع مالی و اقتصادی ممنوع، بی‌توجهی به حقوق فقراء و تداول ثروت بین اغنیاء مردود است. رعایت عدالت در زندگی فردی و اجتماعی، مبارزه با ظلم و ستمگری در امور اقتصادی سفارش شده است. آیه ۲۵ سوره حدید، آیه ۹۰ نحل، آیه ۱ طلاق، آیه ۱۳ لقمان، آیه ۳، ۵۸ و ۱۳۵ سوره نساء، آیه ۱۵۲ سوره انعام و آیه ۳۴ سوره توبه، از جمله آیاتی هستند که به مقاصد اقتصادی شریعت اشاره دارند.

در آیه ۱۳۵ سوره نساء می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ﴾؛ در این آیه دستور می‌دهد که ای مؤمنان! به عدالت قیام کنید؛ حتی اگر مشی براساس عدالت به ضرر شما، نزدیکان و یا والدیتان باشد. رعایت عدالت، هدف همه رسالت‌های آسمانی بیان شده است، در آیه ۲۵ سوره حدید می‌فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾؛ در این آیه، فرستادن پیامبران، کتاب و میزان برای قیام به عدالت بیان شده است.

محقق اردبیلی، اهتمام شارع به حفظ مال و جلوگیری از تضییع آن را سند فتوای خویش قرار داده و در اکتفای به آب قلیل برای تطهیر اشیاء متنجس مانند کاغذ و برخی میوه‌ها بر عدم لزوم فشار دادن آنها فتوا می‌دهند چرا که با فشار دادن در هنگام تطهیر از بین می‌روند (محقق اردبیلی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۳۸). حفظ اموال مردم، رعایت اعتدال، جلوگیری از اسراف، اجرای عدالت، تأمین معیشت مردم، حفظ نظام اقتصادی و عدالت در توزیع امکانات از دیگر مصادیق خرد و جزئی مقاصد شریعت در امور اقتصادی است.

۲-۶. مقاصد حقوقی

یکی از مقاصد مهم اجتماعی شریعت، مقاصد حقوقی است. مقاصد حفظ جان، حفظ آبرو، حفظ مال، حفظ نسب، حفظ عقل و کرامت انسانی، اجرای مجازات، حفظ سلامت فرد و جامعه، بیع و معاملات، تأمین منافع عمومی و اجتماعی افراد و جامعه برخی از مهم‌ترین مقاصد حقوقی شریعت مقدس اسلام است.

به‌عنوان مثال، خرید و فروش هر آنچه که سبب مفسده و ترویج فساد اخلاقی یا جسمی شود؛ مانند آلودگی‌ها و ناپاکی‌ها نباید در دایره دادوستد قرار گیرد. از این‌رو، قرآن کریم طیبات را حلال و ناپاکی‌ها را حرام شمرده است (اعراف، ۱۵۷). در سوره بقره آیه ۲۰۵ خداوند درباره حرمت فساد در زمین فرموده است: ﴿وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا

وَيَهْلِكُ الْحَرَّةَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ؛ در این آیه افساد در زمین و از بین بردن کشت و نسل صریحاً نهی شده است. مقاصد جزئی در این زمینه عبارت‌اند از:

- دفاع از حقوق آحاد جامعه به‌طور مساوی و بدون تبعیض و جلوگیری از تضییع آن توسط دیگران؛

- رعایت شخصیت و کرامت انسانی همه افراد جامعه در رسیدگی قضایی؛

- ایجاد اطمینان بین مردم و رفع نگرانی آنها در مورد احقاق حقوقشان براساس حق و عدالت؛

- پایه‌گذاری نظام قضایی توانمند برای کشف حقیقت و واقعیت در اختلافات و جرائم با حداقل اشتباه؛

اسلام برای تحقق مقاصد یادشده، چنین بیان داشته است: تصدی مقام قضا توسط انسان‌های عادل صورت، گیرد. شهود هنگام شهادت وثاقت و عدالت داشته باشند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۷، ص ۱۱). جرم در شرایط ویژه با اقرار مجرم و یا قیام بینه اثبات می‌شود. در موضوعات نیاز به تعدد بینه می‌باشد. به‌عنوان نمونه، در اثبات زنا سخت‌گیری بیشتری صورت گرفته و اثبات آن شهودی مضاعف لازم دارد.

۳-۶. مقاصد سیاسی

یکی از مصادیق مقاصد سیاسی شریعت اسلامی، تشکیل حکومت اسلامی است. اقامه حکومت در جامعه اسلامی، از امور لازم و وجوب آن قطعی است. برای اثبات ضرورت تشکیل آن، می‌توان به ادله قرآنی، روایی و عقلی تمسک کرد. وجوب اطاعت از ولی‌امر، وجوب اجرای حدود، وجوب تهیه و تدارک قوای نظامی برای جنگ با دشمنان خدا و همچنین، احکام مربوط به قضاوت، نشان‌دهنده این است که ایجاد حکومت اسلامی در جامعه جزء ضروریات عقلی است. چون حفظ نظام جامعه از واجبات مورد تأکید شرایع الهی است و بی‌نظمی امور مسلمانان نزد خداوند امری قبیح است و این امور، جز با استقرار حکومت اسلامی تحقق نمی‌پذیرد، از این رو، هیچ شک و شبهه‌ای در وجوب اقامه حکومت باقی نمی‌ماند (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۴۶۱).

حفظ امنیت، حفظ وحدت مسلمین، مبارزه با استکبار جهانی و حمایت از مستضعفین عالم و... از مقاصد مهم شریعت اسلامی است و در تقسیم‌بندی اهل سنت

نیامده است. از نگاه امام خمینی علیه السلام حفظ حکومت اسلامی (جمهوری اسلامی) از واجبات عینی بوده و امور عبادی مثل نماز فرع بر آن است. حفظ نظام اسلامی از جان معصوم علیه السلام هم بالاتر است.

۴-۶. مقاصد فرهنگی

مودت و محبت به اهل بیت طاهرین علیهم السلام ترویج و گسترش آن، بدون شک یکی از مقاصد فرهنگی شریعت اسلامی است. آیا زیارت امام حسین علیه السلام، زیارات مشاهد مشرفه، برپایی مجالس عزاداری برای امام حسین علیه السلام از طرف معصومین علیهم السلام سفارش اکید شده است یا خیر؟

برخی آیات و روایات، تأکید بزرگان و سیره عملی آنها نشان می‌دهد که ترویج و گسترش شعائر الهی، شرکت در پیاده‌روی اربعین حسینی، مجالس حسینی و حمایت از مراکز فرهنگی عدل‌گستر مثل مسجد مقدس جمکران، از مقاصد فرهنگی شریعت اسلام به شمار می‌آید. حفظ عرض و نسب از مقاصد ضروری است. در برابر حجمه‌های فرهنگی و ابتذال دنیای سرمایه‌داری، فقط محبت و مودت به اهل بیت علیهم السلام می‌تواند نهاد بزرگ خانواده را حفظ و انسان را از اسارت دنیای لیبرالیستی رهایی بخشد. نتیجه مهم آن همان حفظ عرض و آبرو است. این سخن (علی حبه جنة+قسیم النار و الجنة) که منسوب به شافعی است (قندوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۵۴)، به مسئله اهمیت محبت به اهل بیت علیهم السلام اشاره دارد. خلاصه این مقاصد و مصادیق آن در جدول زیر آورده شده است:

جدول ۱. طبقه‌بندی مقاصد شریعت

انواع مقاصد شریعت	مصادیق
مقاصد اقتصادی	بیع و معاملات، اجرای عدالت، معیشت و رفاه جامعه، حفظ اموال مردم، حفظ نظام اقتصادی، رعایت اعتدال در هزینه‌ها و مصارف و جلوگیری از اسراف
مقاصد حقوقی	حفظ جان، حفظ آبرو، حفظ مال، حفظ نسب، حفظ عقل و کرامت انسانی، اجرای مجازات، حفظ سلامت جامعه، حفظ سلامت فرد و جامعه، مسائل مستحدثه، بیع و معاملات، تأمین حقوق اجتماعی افراد، تأمین منافع عمومی جامعه
مقاصد سیاسی	حفظ امنیت، وحدت مسلمین، مبارزه با ظلم و ستم، حفظ نظام اسلامی، تشکیل حکومت اسلامی، مبارزه با اخلال‌گران اقتصادی، منع همکاری با ستم‌پیشه‌گان
مقاصد فرهنگی	مودت اهل بیت <small>علیهم السلام</small> ، مبارزه با خرافه‌پرستی، حفظ عرض و نسب، شعائر الهی

۷. دیدگاه‌ها و رویکردها در مسئله خلق پول

درباره خلق پول بانکی سه نظریه وجود دارد، هر یک به اختصار معرفی و تبیین می‌شود:

۷-۱. نظریه ضریب فزاینده

در نظام ذخیره جزئی، بانک‌ها بخشی از سپرده‌های خود را به‌عنوان سپرده نزد بانک مرکزی نگهداری کرده و مقدار باقی‌مانده را «وام» می‌دهند. این نظریه، خلق پول را دستاورد تعامل بین همه بانک‌ها و برآیند نظام ذخیره جزئی می‌داند. از دیدگاه این نظریه خلق پول برای تک‌تک بانک‌ها نفی می‌شود. از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰، تعلیم و تعلم خلق پول در بانک‌ها بر مبنای ضریب فزاینده صورت می‌گرفت. در این دیدگاه، منابع مالی بین مردم، بانک‌ها و بانک مرکزی بدون هیچ‌گونه محدودیتی در گردش است. هر بانک زمانی می‌تواند «وام» دهد که پیش‌تر پول پر قدرت بانک مرکزی را (در قالب ذخایر یا موجودی نقد) جذب کرده باشد. بانک‌ها با تکرار وام‌دهی مجدد همان مقادیر اولیه، می‌توانند پول گسترده خلق کنند. از این رو، پول در شبکه بانکی خلق می‌شود (کميجانی، ۱۳۹۷، ص ۱۴).

دیدگاه توتونچیان به ضریب فزاینده نزدیک است (۱۳۷۹، ص ۴۱۲). الجارحی (۱۹۸۰)، قحف (۱۹۷۹)، خان (۱۹۸۶)، صدیقی (۱۹۸۳)، عفر (۱۹۸۰) و چپرا (۱۴۰۱) بانک را در چهارچوب ضریب فزاینده تحلیل و پیشنهاداتی برای ایجاد سازگاری میان نهاد بانک با شریعت اسلام ارائه کرده‌اند (میرمعزی، ۱۳۸۴، ص ۷۴-۷۵). مرحوم موسویان در تبیین خلق پول بانکی، دیدگاه ضریب فزاینده را برگزیده است.

۷-۲. نظریه واسطه‌گری مالی

بانک‌ها به‌عنوان واسطه‌های مالی کارشان تجهیز و تخصیص منابع مالی می‌باشد؛ یعنی منابع مالی را جمع کرده و دوباره تخصیص می‌دهند. کار وام‌دهی بانک‌ها با جمع‌آوری سپرده‌های یک شخص شروع و با قرض دادن این منابع به اشخاص دیگر پایان می‌یابد. این رویکرد از اواخر دهه ۱۹۶۰ به‌عنوان رویکرد برتر در اقتصاد مطرح بود. این رویکرد به «نظریه واسطه‌گری مالی» در بانکداری شناخته می‌شود. مجموع پس‌اندازهای بانک‌های خصوصی و دولتی، «جریان ورودی به بازارهای مالی» را تشکیل داده و با «جریان خروجی

از بازارهای مالی» برابر است. براساس این نظریه بدون پس اندازهای افراد در بانک‌ها، هیچ منبع و جریان وجوه قابل وام دادن، در دسترس سرمایه‌گذاران قرار نخواهد گرفت. صاحب‌نظران همچون توپین، فاما، کلاین، وودفورد، گرلی و شاو معتقد به واسطه‌گری مالی بودند (کميجانی، ۱۳۹۷). دیدگاه شهید صدر درباره بانک بر این نظریه قابل تطبیق است؛ چون ایشان بانک را نهادی برای رساندن وجوه مازاد سپرده‌گذاران به سرمایه‌گذاران تعریف می‌کند. از این رو، بانک مورد نظر شهید صدر نیز کارکرد واسطه‌گری مالی دارد؛ با این تفاوت که واسطه‌گری بانک با صاحبان وجوه و نیازمندان وجوه با عقود اسلامی انجام می‌شود.

۳-۷. نظریه تأمین مالی مبتنی بر خلق پول (درون‌زا بودن پول)

طبق این نظریه هر بانک که به‌تنهایی همه وام‌ها را از «هیچ» خلق نموده و سپس «وام» می‌دهد، نیازی به جذب سپرده پیش از وام وجود ندارد. این رویکرد به «نظریه خلق پول» در بانکداری یا نظریه تأمین مالی مبتنی بر خلق پول^۱ نامیده می‌شود. تمایز این دیدگاه با سایر دیدگاه‌ها، در استقلال خلق پول است. سرمایه‌گذار و یا هر شخص حقیقی و یا حقوقی دیگر برای وام گرفتن، ابتدا به بانک مراجعه و پس از طی مراحل لازم، بانک، برای مثال ده میلیون تومان به او وام می‌دهد. با پرداخت وام به این شخص سپرده‌ای با رقم ده میلیون تومان برای او در بانک وام‌دهنده به وجود می‌آید؛ اما از حساب هیچ شخصی نزد بانک، چیزی کسر نمی‌شود. در واقع، سپرده‌های قبلی نزد بانک همچنان فعال هستند و قدرت خرید بالقوه خود را دارند و در عین حال، سپرده (یا قدرت خرید) جدیدی هم برای این شخص به وجود آمده است و صاحبان سپرده‌های قبلی بانک و نیز این شخص که به‌تازگی وام گرفته است، هر لحظه که اراده کنند، می‌توانند پول خود را که در حساب‌هایشان نزد بانک موجود است، برداشت کنند. بانک‌ها هنگام وام‌دهی، اقدام به خلق پول از «هیچ» می‌کنند. طبق این تعریف، خلق پول بر سپرده‌گیری و اکتساب ذخایر تقدم دارد. زمانی که بانک وام پرداخت می‌نماید این «وام» و اعتبار از حساب‌های سپرده شده پیشین پرداخت نمی‌شود و موجودی ذخایر بانکی را کاهش نمی‌دهد؛ بلکه این قدرت خرید، به‌تازگی خلق می‌شود (سبحانی و درودیان، ۱۳۹۵، ص ۳۴).

۱. Financing Through Money Creation (FMC)

۸. دیدگاه اقتصاددانان مسلمان نسبت به خلق پول

در مورد خلق پول و نگهداری ذخایر قانونی در اقتصاد اسلامی، دو دیدگاه وجود دارد:

الف) موافقان خلق پول

شهید صدر در الگوی «البنک اللاربوی» در پاسخ به این سؤال که آیا بانک اسلامی می‌تواند اعتبار به وجود آورد، جواب مثبت داده و توضیح می‌دهد که بانک مجاز به خلق اعتبار است به شرطی که بستانکاری ایجاد شده مستند به علت شرعی باشد و نه غیر مشروع (صدر، ۱۴۰۳ق، ص ۲۲). در کتاب *الاسلام یقود الحیاء* می‌نویسد: جایز نیست ذمه و عهده دیگری را نسبت به مالی از طریق قرض، بدون تحویل حقیقی آن مال، مشغول کرد؛ زیرا قبض، شرط در عقد قرض است. از این رو، خلق پول یا فعالیت تجمیع اموال فقط از طریق بانک دولتی مجاز است (صدر، ۱۴۰۳ق، ص ۳۵). می‌توان ادعا نمود که فرآیند خلق اعتبار در آثار شهید صدر با نظام بانکداری متعارف متفاوت است. ایشان خلق پول را در بانک‌های خصوصی مجاز نمی‌دانند. جواز خلق پول منحصر در بانک‌های دولتی است (اکبری و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۴۷).

موسویان قائل به جواز خلق پول به صورت منضبط، حساب شده و همراه با اشراف بانک مرکزی است. از نظر ایشان خلق پول و اعتبار، فی‌نفسه اشکالی ندارد (موسویان، ۱۳۸۲، ص ۵۱). میرمعزی خلق پول را با سه شرط می‌پذیرد: یک، بخش واقعی اقتصاد نیاز داشته باشد؛ دو، پول‌های خلق شده در بخش واقعی تزریق شود؛ سه، منافع آن، صرف مصالح عمومی کشور شود. خلق پول با این سه ضابطه قابل قبول است (میرمعزی، ۱۴۰۲، صوت).

ب) مخالفان خلق پول

توتونچیان معتقد است: فقط نرخ ذخیره صددرصدی می‌تواند پول را در جهت انجام وظیفه‌اش هدایت کند. در نظام اسلامی چون بانک وسیله پدید آوردن سرمایه است نه پول؛ بنابراین نیاز به ذخیره قانونی نبوده و تورم نیز وجود نخواهد داشت (توتونچیان، ۱۳۷۹، ص ۷۰۰). ایشان (با این پیش فرض که پول کالای عمومی است و خلق آن نباید در اختیار نهاد غیردولتی باشد)، ایده‌ای مبنی بر لزوم دولتی بودن بانک‌ها و عدم

خصوصی‌سازی یا اجازه تشکیل بانک‌های خصوصی را پیشنهاد می‌دهد (همان، ص ۱۲۴).

از نگاه مندر قحف دولت تنها مرجعی است که می‌تواند به انتشار پول بپردازد. بانک‌های تجاری مجاز به خلق پول نیستند و این فعالیت در انحصار دولت است. نشر پول، چه برحسب اسکناس و مسکوک یا سپرده‌ها، نمی‌تواند تابعی از نرخ بهره باشد؛ زیرا بهره در نظام اسلامی وجود ندارد. پول رایج و اعتبار هر دو ابزار مستقیم سیاست اقتصادی هستند و هیچ‌کدام نباید به وسیله منافع یک گروه خاص تعیین شوند. در نظام اسلامی اعتبار و تأمین مالی، بانک‌های تجاری محروم شده از امتیاز خلق سپرده‌های دیداری، ملزم به کار بر مبنای صددرصد ذخایر هستند (قحف، ۱۳۷۶، ص ۴۷).

آیت‌الله مکارم نیز خلق پول را جایز نمی‌داند. ایشان در پاسخ به سؤال اقتصاددانان حوزوی درباره پدیده خلق پول از «هیچ»، این‌گونه مرقوم داشتند:

«با توجه به آنچه مرقوم داشته‌اید، این کار مصداق بارز اکل مال به باطل است؛ زیرا سرمایه‌ای وجود ندارد که آنها به وسیله آن معامله می‌کنند و از سوی دیگر باعث تورم و ضرر و زیان جامعه است و در مجموع بی‌شبهت به یک نوع کلاهبرداری نمی‌باشد که آن هم حرام است و اگر سپرده‌گذاران بخواهند سپرده خود را بگیرند، آن بانک مسلماً ورشکست خواهد شد؛ چون چند برابر موجودی خود مصرف کرده است».

ایشان سه دلیل بر ممنوعیت خلق پول بیان کرده است. این کار (خلق پول از هیچ) مصداق اکل مال به باطل، قاعده لاضرر و یک نوع کلاهبرداری است.

۹. ممنوعیت خلق پول طبق نظریه مقاصد شریعت

خلق پول به عنوان یک پدیده اقتصادی از مسائل مستحدثه بوده و فاقد نص در منابع است. برای بررسی حکم آن، باید از قواعد عمومی فقه و یا عنوان‌های ثانویه استفاده شود. برای ممنوعیت آن به دلایل مختلفی استناد شده است.

۹-۱. غصب اموال مردم با خلق پول

برخی عقیده دارد که خلق پول توسط بانک‌های تجاری غصب است؛ زیرا بانک‌ها ظلماً و عدواناً بر اموال مردم دست‌اندازی کرده و آن را مال خود نموده‌اند (اکبری و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱۳۵). خلق پول از «هیچ» توسط بانک‌های تجاری رفتار ناسالم به شمار می‌آید؛ اما صدق مفهوم «عدوانی» غصب بر این پدیده امر دشوار است؛ چون متقاضیان

وام اولاً، خودشان درخواست تسهیلات کردند؛ ثانیاً، بدون اجبار فرم‌ها را امضاء کرده و اقساط را می‌پردازند. بنابراین، اثبات عنوان غصب و تصرف عدوانی دشوار است.

۲-۹. ممنوعیت خلق پول با استفاده از قاعده لاضرر

به اقتضای قاعده لاضرر، آن دسته از معاملات عقلایی که اصل معامله یا یکی از اوصاف معامله یا فقدان شرطی در معامله، به ضرر دیگری منجر شود، از نظر شرع، حرام و ضمان‌آور است (موسویان، ۱۳۹۱، ص ۱۳۹). پرسش این است که آیا خلق پول موجب ضرر و اضرار به دیگران می‌شود تا مصداق این قاعده باشد؟ خلق پول مانند دیگر ابزارها (مثلاً چاقو) است. فایده و ضرر آن بستگی به شرایط اقتصادی، نهاد تنظیم‌گر و نظارتی دارد. نمی‌توان ضرر و اضرار را نتیجه طبیعی و ذاتی خلق پول دانست؛ چون بانک در برابر دریافت اقساط و یا خرید املاک، اعتبار حساب‌های مشتریان را افزایش می‌دهد و مشتریان با این اعتبار جدید در بازار می‌توانند معاملات دیگری داشته باشند؛ اما اخلال نظام اقتصادی کاربرد مفیدی ندارد.

۳-۹. اکل مال به باطل بودن خلق پول بانکی

معاملاتی که از دیدگاه عرف و عقلاً یا از دیدگاه شرع اکل مال به باطل حساب شوند، حرام و باطل هستند (موسویان، ۱۳۹۱، ص ۱۲۰). برخی از محققان (عالی پناه و تاج لنگرودی، ۱۳۹۵، ص ۸۶). پدیده خلق پول را مشمول قاعده اکل مال به باطل دانسته‌اند؛ زیرا در فرایند آن بانک‌های تجاری به صورت «غیر عادلانه» ثروتمند می‌شود. براساس این آیه تصرف و تملکی که وصف «تراضی» را نداشته باشد از نظر شرع پذیرفته نیست. فقها رشوه را مصداق اکل مال به باطل می‌دانند؛ زیرا اخذ مال در قبال فعل خلاف صورت می‌گیرد؛ از این رو، مصداق اکل مال به باطل است (انصاری، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۲۴۷). نمونه دیگر، اخذ ثمن در ازای کنیز آوازخوان یا هر عینی است که از آن، صفت حرامش قصد شده است (موسوی قزوینی، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۱۶۵). اجاره محل یا کشتی برای مقاصد حرام نیز همین حکم را دارد و از مصادیق اکل مال به باطل برشمرده شده است. عدم جواز دریافت عوض در برابر آنچه که منفعت محله مقصوده ندارد مستند به همین قاعده است؛ زیرا در برابر ثمن، چیزی که قابلیت تملک داشته باشد، تملیک نشده است (شیرازی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۰).

توجه به ماهیت رابطه حقوقی سپرده‌گذار با بانک (قرض، وکالت و شراکت)، این استدلال (اکل مال به باطل بودن خلق پول) را متزلزل می‌نماید. در سپرده‌های قرض الحسنه، با قرض‌دهی سپرده‌گذار، پول به بانک تملیک شده و نمی‌تواند اکل مال به باطل باشد. تراضی طرفین قرارداد، اکل مال به باطل بودن پدیده خلق پول را با چالش مواجه می‌کند. این عقود مطابق قانون انجام می‌شود و مشتری یا وام‌گیرنده، از اعتبار خلق شده بهره‌مند می‌شود. پس استدلال به این آیه بر ممنوعیت خلق پول کامل و کافی نیست.

۴-۹. ممنوعیت خلق پول بر اساس مقاصد شریعت

در این پژوهش، رفتار بانک‌هایی مورد تحلیل و ارزیابی است که به صورت دفعی و بدون سپرده پیشینی و از «هیچ» پول خلق می‌کند. آیا اسلام وجود بانک با ماهیت خلق‌کنندگی پول از «هیچ» را می‌پذیرد یا خیر؟

بانک مورد تحلیل، وام و تسهیلات پرداختی را، نه از محل سپرده‌ها، بلکه از محل خلق پول جدید تأمین می‌کند. از این رو، «وکالت بانک از سپرده‌گذاران برای کاربرد سپرده‌های سرمایه‌گذاری در پرداخت تسهیلات» اساساً نادرست خواهد بود. در واقع، «وکالتی» که سپرده‌گذاران در هنگام سپرده‌گذاری به بانک می‌دهند، نمی‌تواند «استفاده از سپرده‌های برای پرداخت تسهیلات» باشد؛ زیرا بانک، از محل آن سپرده‌ها تسهیلات را نمی‌پردازد؛ بلکه از «هیچ» پول خلق کرده و تسهیلات پرداخت می‌کند. برای تبیین حکم فقهی پدیده خلق پول طبق نظریه مقاصد شریعت، ذکر نکات گذشته لازم است:

- مصالح و مفاسد احکام همان ملاکات احکام شرعی است (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۳۳۷). با توجه به حقیقت یکپارچه توحیدی شریعت، مقاصد شریعت، فروع و شاخه‌های آن حقیقت توحیدی است و به‌عنوان شاخه‌های خردتر و ریزتر حقیقت توحیدی، همان اهداف و اغراض اصلی مولی است. این اغراض و اهداف با مصالح و مفاسد و ملاکات احکام رابط «این‌همانی» و اتحاد مصداقی دارد.

- عقل توانایی دارد که برخی از ملاکات و مناطات احکام اجتماعی اسلام را کشف نماید. از این مطلب اثبات می‌شود که مقاصد شریعت از مصداقی مناطات احکام و ملاکات احکام است.

- نسبت بین مفهوم مصالح و مفاسد با مفهوم مقاصد شریعت، نسبت «تباین» است؛ ولی بین مصادیق خارجی مصالح و مفاسد و مقاصد شریعت، نسبت تساوی است؛ یعنی همه مصادیق مصالح و مفاسد شرعیه، مقصود و هدف شارع است. جلب تمام مصادیق مصالح و ترک کل مصادیق مفاسد، مقصود شارع است.

- از آیات، روایات و فتاوا: طبقه‌بندی جدیدی از مقاصد شریعت در جدول ۱ ارائه شده است که شامل خلق پول می‌شود. در اثر خلق پول به معنای سوم (خلق پول از هیچ) در نظام بانکی، مشکلاتی در اقتصاد و نظام بانکی به وجود می‌آید. بسیاری از مصادیق مقاصد اقتصادی، حقوقی، سیاسی، اجتماعی و در برخی موارد مقاصد فرهنگی که در اثر پیامدهای پدیده خلق پول وجود دارد؛ مثل اجرای عدالت، معیشت و رفاه جامعه، حفظ اموال مردم، حفظ نظام اقتصادی، رعایت اعتدال در هزینه‌ها و مصارف و جلوگیری از اسراف، حفظ جان، مال، آبرو، تأمین حقوق اجتماعی افراد، حفظ امنیت، مبارزه با ظلم و ستم، حفظ نظام اسلامی، رعایت حقوق ضعیفان و نفی غرر و تدلیس که عدم رعایت آن موارد در تنافی با مقاصد شریعت هستند. ضمن توضیح برخی موارد یادشده، ممنوعیت خلق پول بر اساس مقاصد شریعت تطبیق داده می‌شود.

۵-۹. اجرای عدالت و تأمین معیشت

در مباحث دینی و حوزه اقتصادی و اجتماعی، به ملاک «عدالت» و «معیشت» توجه جدی شده است. تحقق عدالت و تأمین معیشت اقشار ضعیف جامعه، یک اصل یقینی و زمینه‌ساز حصول اهداف دینی در حوزه اجتماعی است. توجه اسلام به عدالت، برای از بین بردن تبعیض در بهره‌مندی همه اقشار جامعه از امکانات رفاهی جامعه است. اجرای عدالت از تداول ثروت بین اغنیاء جلوگیری می‌نماید. هدف از اجرای عدالت در حوزه اجتماعی از بین بردن شکاف طبقاتی و فقر در سطح جامعه اسلامی است. هر نوع بی‌عدالتی در توزیع امکانات و فراهم نکردن فرصت‌ها و سنگ‌اندازی در مسیر اجرای عدالت ممنوع است. حتی در تعیین امام جماعت و پذیرش شاهد در محکمه، عدل و عدالت معیار است.

در کنار انفاق‌های بلاعوض در منابع فقهی، اگر به قوانین حیات از منابع طبیعی (یک نفر حق ندارد همه‌چیز را برای خودش جمع‌آوری کند)، قانون ارث، نفی اسراف، حرمت کنز و تکاثر و... دقت شود، همگی ابزارهای دینی برای تعدیل ثروت، توزیع ثروت، اجرای

عدالت و تأمین معیشت افراد جامعه است. بسیاری از تعالیم صریح دینی که از آنها در معرفی مصادیق مقاصد شریعت کمک گرفته شده است، بر عدم تمرکز ثروت و از بین بردن شکاف و فاصله طبقاتی بین فقراء و ثروتمندان تأکید دارد.

اگر آثار و پیامدهای خلق پول از «هیچ» مورد ملاحظه و دقت قرار گیرد، به‌خوبی روشن می‌شود که خلق پول بانکی به‌عنوان یک پدیده پولی، با عدالت اقتصادی و فرصت برابر برای همه اقشار جامعه در تنافی بوده و سبب تداول ثروت بین اغنیاء می‌شود؛ درحالی که منع تداول ثروت بین اغنیاء، تحقق عدالت اجتماعی و دسترسی همه افراد ضعیف جامعه به حداقل امکانات، از مهم‌ترین اهداف و مقاصد شریعت است. تضاد پیامدهای خلق پول با اهداف و مقاصد شریعت، دلیل بر ردّ خلق پول در نظام بانکی است. نتیجه اینکه، مقاصد شریعت به‌عنوان ملاک صدور حکم شرعی بر ممنوعیت خلق پول در نظام بانکی دلالت دارد.

۶-۹. رشد تولید و اشتغال

در فعالیت‌های اقتصادی، بخش واقعی مورد توجه است؛ چون در ایجاد اشتغال، از بین بردن بیکاری و افزایش تولید تأثیر مهم دارد. یکی از اهداف مهم در اقتصاد اسلامی اعمار زمین و ایجاد آبادانی زمین است. به‌طور طبیعی، نتیجه اعمار زمین افزایش اشتغال و افزایش درآمد افراد جامعه است. در سوره هود آیه ۶۱ چنین می‌فرماید: ﴿هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾؛ اگر خلق پول به‌اندازه توان واقعی و طبیعی اقتصاد و بانک باشد، موجب رشد تولید، رشد اقتصادی شده و افزایش اشتغال را فراهم می‌کند. پس «استعمار الارض» به عهده انسان نهاده شده است تا به رشد تولید، افزایش اشتغال و بهبود معیشت مردم کمک کند. اقتصادی مورد نظر اسلام است که در آن از همه ظرفیت‌های بالقوه، منابع طبیعی و انسانی برای خلق ارزش و تولید ثروت استفاده شود. علت امر خداوند به بارورکردن استعدادهاى نهفته در طبیعت این است که قوام زندگی مردم به چیزهای است که در زندگی بدان‌ها نیازمندند (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۶).

آیا با خلق پول چنین چیزی اتفاق می‌افتد؟ افزایش نارضایتی صاحبان کارگاه‌های تولیدی و عدم دسترسی آنها به منابع مالی جهت تولید و افزایش اشتغال نشان می‌دهد که پول‌های خلق شده در نظام و سیستم بانکی در راستای رشد تولید و اشتغال به کار گرفته نشده است. براساس آمارهای بانک مرکزی، نقدینگی ۲۸ درصد و تولید ۴ درصد

رشد داشته است. معنایش این است که حدود ۲۶ درصد از حجم پول خلق شده در سیستم بانکی به سمت صنعت و تولید نرفته است؛ یعنی این ۲۶ درصد از نقدینگی هیچ کمکی به رشد تولید و اشتغال نکرده و در عوض وارد بازارهای سفته‌بازی، بازار مسکن، بازار ارز و طلا شده و با افزایش تقاضا و ایجاد التهاب، مردم عادی را از خرید خانه و زمین محروم نموده است (بخشی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۵۸۳-۶۲۸). آیا چنین رفتاری با اهداف و مقاصد شریعت سازگار است؟

واقعیت این است که پدیده خلق پول از «هیچ» توسط بانک‌های تجاری و خصوصی، ابزاری برای آفایی و سواری مجانی آنهاست. بانک‌ها اهداف مهم اقتصاد اسلامی، آرمان بانکداری اسلامی، اجرای عدالت، دسترسی یکسان همه افراد جامعه به امکانات و منابع مالی را نادیده گرفته و با خلق پول از «هیچ» به شدت مشغول ثروت‌اندوزی است. درحالی که رشد تولید و اشتغال، از اهداف مهم اقتصاد اسلامی و از مقاصد شریعت به شمار می‌آید. تعدادی از بانک‌ها این موضوع را به کلی نادیده گرفته و در رقابت ناسالم با اقبال ضعیف جامعه قرار دارد. روند خلق پول و سوءاستفاده از منابع و امکانات بانکی، سبب بی‌ثباتی اقتصادی، نقض عدالت، تورم افسارگسیخته و کاهش تولیدات اقتصادی شده است. این آثار و پیامدها با اهداف کلی و جزئی دین در تضاد، و برخلاف مقاصد شریعت است. بنابراین، پدیده مخرب «خلق پول» مخالف اهداف شریعت بوده و نظریه مقاصد شریعت بر ممنوعیت این پدیده دلالت دارد. سانی و همکاران^۱ تطابق بانکداری ذخیره جزئی با نظریه «مقاصد شریعت» را بررسی نموده است. از نظر آنها، بانکداری ذخیره جزئی به دلایل زیر نقض‌کننده اصول مقاصد شریعت است:

- شریعت از ثروت و رفاه مردم به‌طورعام حمایت می‌کند. حال آنکه، در بانکداری ذخیره جزئی منافع خلق پول نصیب عده‌ای معدود (بانکداران و افراد دارای دسترسی به اعتبارات) می‌شود.

- در شریعت جهت‌گیری انتقال ثروت باید از ثروتمندان به فقرا باشد؛ حال آنکه سازوکار خلق پول بانکی، ثروتمندان را ثروتمندتر و فقرا را فقیرتر می‌کند. خلق پول و تورم ناشی از آن هم چون یک مالیات و سازوکاری برای انباشت و تمرکز ثروت عمل می‌کند.

- وام دادن سپرده‌های مردم بدون اذن آنها نقض اصل عدالت و انصاف است که از نظر اخلاقی مردود و ناسازگار با شریعت است (سبحانی و درودیان، ۱۳۹۵، ص ۴۱).

۱. Sani et al, ۲۰۱۲

دو نکته درباره تحقیق یادشده قابل تذکر است: اولاً، این تحقیق درباره پدیده خلق پول جزئی است و نه پدیده خلق پول از «هیچ». پیامدهای خلق پول از «هیچ» بسیار عمیق‌تر و مخرب‌تر از پدیده خلق پول جزئی است. ثانیاً، در این تحقیق نقض عدالت به دلیل عدم سپرده‌گذاران به فعالیت بانکداران نسبت داده شده است؛ درحالی‌که خلق پول براساس دیدگاه سوم، به صورت دفعی و بدون سپرده پیشینی صورت می‌گیرد. خلق پول از سپرده‌ها ایجاد نمی‌شود. گرچه آن سپرده‌ها مورد استفاده بانک قرار می‌گیرد و در پرداخت سود و معاملات بین‌بانکی استفاده می‌شود، اما خلق پول از هیچ، توفقی بر این سپرده‌گذاری‌ها ندارد.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق مقاصد شریعت و خلق پول بررسی شد. مقاصد شریعت نزد فقهای شیعه و اهل سنت مورد اختلاف بوده و چندین نظریه در آن مطرح است. سخن درست آن است که مقاصد شریعت، امری قطعی و مبتنی بر نصوص است. تعدادی از فقیهان مانند آیت‌الله سیستانی و حضرت امام خمینی علیه السلام در برخی موارد از رویکرد مقاصدی در استنباطات فقهی خود بهره برده‌اند. درباره خلق پول، سه نظریه مطرح است: حکم شرعی خلق پول از «هیچ» در این تحقیق بررسی شد. نتیجه بررسی آن است که قاعده لاضرر، اتلاف، احترام مال مسلم و اکل مال به باطل برای ممنوعیت خلق پول در نظام بانکداری کافی نیست. شاید به همین دلیل فقهای معاصر امامیه با پدیده خلق پول برخورد عدم جواز نداشته و با این معاملات بانکی مشکل ندارند. اما با توجه به پیامدهای خلق پول از «هیچ» در نظام بانکی، و تنافی و تضاد آن با مقاصد شریعت به‌عنوان ملاک احکام، این عمل در نظام بانکی مشروعیت ندارد. براساس آیات، روایات و فتاوی برخی از فقهای معظم، طبقه‌بندی جدیدی از مقاصد شریعت معرفی شد که براساس مصادیق بررسی شده در آن، خلق پول مشمول ممنوعیت مقاصد شریعت بوده و در بانکداری اسلامی جواز ندارد.

منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. ج ۸، چ سوم، بیروت: دار الفکر.
۲. احسانی، محمد بن علی (۱۴۱۰). الاقطاب الفقهیه علی مذهب الامامیه. چ اول، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳. اکبری، محمود، هاشمی فر، سید مهدی، کریمی وردنجانی، رضا و سیمپاری، محمدرضا (۱۳۹۹). ابعاد اقتصادی-فقهی پدیده خلق پول از منظر بانکداری اسلامی. پژوهش نامه فقه اجتماعی، ۸(۲)، ۱۳۵-۱۶۴.
۴. امیرعلی، محمد، بخشی دستجردی، رسول و واعظ برزانی، محمد (۱۴۰۱). آثار حقیقی کارکرد بانک به عنوان خالق نقدینگی از مجاری وام دهی و استمهال صوری مطالبات غیر جاری: رهیافت DSGE. فصلنامه تحقیقات اقتصادی، ۵۷(۴)، ۶۲۸-۵۸۳.
۵. انصاری، مرتضی (۱۴۳۱). المکاسب. ج ۱، چ سوم، قم: مجمع الفکر الاسلامی (دوره ۶ جلدی).
۶. تسخیری، محمد علی. (۱۳۸۸). فقه «مقاصدی» و حجیت آن (با نگاهی به شیوه شهید صدر). فصلنامه اندیشه تقریب، ۵(۱۸)، ۴۴-۱۱.
۷. توتونچیان، ایرج (۱۳۷۹). پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه داری. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری توانگران.
۸. جوینی، عبدالملک (۱۴۱۸). البرهان فی اصول الفقه. ج ۲، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۹. حلی (فاضل مقداد) جمال الدین سیوری (۱۴۰۳). نضد القواعد الفقهیه علی مذهب الإمامیه. چ اول، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۰. _____ (۱۴۰۴). التنقیح الرائع لمختصر الشرائع. چ اول، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
۱۱. رازی، فخرالدین (۱۴۱۵). مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر). ج ۱۱، چ سوم، بیروت: دار الفکر.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. سوریه: دارالعلم.
۱۳. ریسونی، احمد (۱۴۱۶). نظریه المقاصد عند الامام الشاطبی. بیروت: المعهد العالمی للفکر الاسلامی.

۱۴. سبجانی، حسن، و درودیان، حسین (۱۳۹۵). ارزیابی توجیه‌پذیری خلق پول به وسیله سیستم بانکی در نظام بانکداری اسلامی. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۱۶(۶۴)، ۴۳-۵۰.
۱۵. شهید اول، محمدبن مکی (بی تا). القواعد و الفوائد. قم: کتابفروشی مفید.
۱۶. شیرازی، میرزا محمدتقی (۱۴۱۲). حاشیه المکاسب. ج ۱، قم: الشریف الرضی.
۱۷. صدر، محمدباقر (۱۴۰۳). الاسلام یقود الحیاة. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
۱۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. ج ۱۲، چ پنجم، قم: انتشارات اسلامی.
۱۹. طباطبائی، سیدعلی (۱۴۱۸). ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل. ج ۱، چ اول، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۲۰. عالی پناه، علیرضا و تاج لنگرودی، محمدحسن. (۱۳۹۶). بررسی فقهی خلق پول به وسیله بانک‌های تجاری. *پژوهش‌نامه فقه اجتماع*. ۵(۱۰)، ۶۵-۹۴.
۲۱. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳). مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة. ج ۵، چ دوم، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. _____ (۱۹۸۲). نهج الحق و كشف الصدق. ج ۱، چ اول، بیروت: دار الكتاب اللبنانی.
۲۳. علم الهدی، سیدمرتضی (۱۳۷۶). الذریعة إلى أصول الشریعة. ج ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، دوره دوجلدی.
۲۴. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۸). فقه و مصلحت. چ اول، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۵. فاسی، علال (۱۹۹۳). مقاصد الشریعة الاسلامیة و مکارمها. ج ۲، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
۲۶. قحف، منذر (۱۳۷۶). مروری بر اقتصاد اسلامی، ترجمه عباس عرب‌مازار. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
۲۷. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۲۲). ینابیع المودة لذو القربی. ج ۱، چ اول، تهران: دارالاسوة للطباعة والنشر المطبعة (اسوه).
۲۸. کمیجانی، اکبر، ابریشمی، حمید، روحانی، سیدعلی. (۱۳۹۷). ماهیت بانک و فرایند خلق پول بانکی؛ نقد دیدگاه‌های رایج و دلالت‌ها. *جستارهای اقتصادی با رویکرد*

اسلامی، ۱۵ (۲۹)، ۹-۳۸.

۲۹. لجنة الفقه المعاصر (۱۴۴۱). الفائق فی الاصول. الطبعة الرابعة، قم: مركز ادارة الحوزات العلمية.

۳۰. مجتهد، احمد، و حسن زاده، على (۱۳۸۰). پول و بانکداری و نهادهای مالی. تهران: پژوهشکده پولی و مالی.

۳۱. محقق اردبیلی، شیخ احمد (۱۴۱۹). مجمع الفائده و البرهان. ج ۱، الطبعة الثانية، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين.

۳۲. محققان، مهدی، مهدوی، سید محمد هادی و توکلی، احمد رضا. (۱۴۰۱). تأملی در حکم فقهی خلق پول. آموزه‌های فقه مدنی، ۱۴ (۲۶)، ۱۹۷-۲۱۸.

۳۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.

۳۴. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). مجموعه آثار. ج ۲۱، تهران: انتشارات صدرا.

۳۵. مغینه، محمدجواد (۱۴۲۱ الف). الفقه علی مذاهب الخمسة. الطبعة العاشرة، بیروت: دارالتیاری.

۳۶. _____ (۱۴۲۱ اب). فقه الإمام الصادق. چ دوم، قم: مؤسسه انصاریان.

۳۷. موسوی بجنوردی، سیدحسن (۱۳۷۷). القواعد الفقهية. ج ۷، چ اول، قم: نشر الهادی.

۳۸. موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۴۲۱). کتاب البیع. ج ۲، چ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.

۳۹. موسوی خویی، ابوالقاسم (۱۳۷۷). مصباح الفقاهة. ج ۳، چ اول، قم: مؤسسه نشر الفقاهة.

۴۰. موسوی قزوینی، سیدعلی (۱۴۲۴). ینابیع الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام. ج ۲، چپ اول، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

۴۱. موسویان، سیدعباس (۱۳۸۲). انواع بانکهای بدون ربا. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۶ (۱۱)، ۷۶-۴۹.

۴۲. _____ (۱۳۹۱). بازار سرمایه اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۴۳. میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۰). نظام اقتصادی اسلام: مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۴۴. _____ (۱۳۸۴). الگوی ذخایر سپرده‌های بانکی در بانکداری اسلامی. *اقتصاد اسلامی*، ۵(۱۷)، ۷۴-۴۵.
۴۵. میرمعزی، سیدحسین (۳ اسفند ۱۴۰۲-صوت). همایش علمی طرحی نو برای اقتصاد ایران: اصلاح قانون بانکداری و مهار بانک‌های خصوصی. قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
۴۶. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). جواهرالکلام. جلد‌های ۲، ۲۳، ۲۷ و ۴۱، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.